

Realization of the International Responsibility of the United States for "not Recognizing the Legal Status of Iranian Companies" in the Case of Certain Iranian Assets (Original Research)

Mohamad Setayeshpur*

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2022206.2505

Date Received: 5 Feb.2024

Date Accepted: 10 Feb.2024

Abstract

The International Court of Justice, in the case of Certain Iranian Assets, by considering the scope of international obligations of the United States, including and in particular the head of Article 3 of the Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Rights, has confirmed that the fundamental dispute between the parties is about the recognition of the legal status of foreign companies. The present essay by applying a descriptive-analytical method and through observing the precedents of the international judicial and arbitration tribunals and the Draft Articles of the International Law Commission on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, has proven that the actions of the United States Section 201(a) of the Terrorism Risk Insurance Law and Section 601(g)(1) of the Foreign Government Immunities Act in particular and their enforcement by their national courts are according to the customary international law attributable to the United States and consequently this country has violated its treaty obligations. Thus, both elements required to establish the existence of an internationally wrongful act have been met and accordingly the responsibility of the United States has been . The Court, in line with the request of the Islamic Republic of Iran, has ordered compensation in favour of Iran as a result of such responsibility.

Keywords

International Responsibility, Primary Obligation, Secondary Obligation, Certain Iranian Assets Case

* Assistant Professor of the Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran, mohamadsetayeshpur@yahoo.com



تحقق مسئولیت بین‌المللی امریکا بابت
«به رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های ایرانی»
در قضیه برخی دارایی‌های ایران
(پژوهشی)

محمد ستایش پور *

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2022206.2505

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری، در قضیه برخی اموال/ایران، با بررسی گستره تعهدات بین‌المللی امریکا از جمله و به‌ویژه صدر ماده ۳ معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی، احراز داشته که اختلاف اساسی درباره به رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های خارجی است. جستار حاضر، از رهگذر مطالعه رویه محاکم قضایی و داوری و مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، اثبات کرده که اعمال آن کشور، به‌طور مشخص، بخش ۲۰۱(الف) قانون بیمه ریسک تروریسم و بخش ۶۰۱(ز)(۱) قانون مصونیت‌های دولت خارجی و اعمال آن‌ها توسط دادگاه‌های داخلی، طبق عرف بین‌المللی منتسب به امریکا است و این کشور، تعهدات معاهده‌ای خود را نقض کرده است. به این ترتیب، هر دو عنصر لازم برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی تکوین یافته و مسئولیت امریکا محقق است. دیوان، همسو با خواسته جمهوری اسلامی ایران، حکم به پرداخت غرامت به‌عنوان پیامد مسئولیت داده است.

واژگان کلیدی

مسئولیت بین‌المللی، تعهد اولیه، تعهد ثانویه، قضیه برخی اموال ایران

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶، علیه ایالات متحده امریکا در خصوص «نقض‌های معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و ایالات متحده امریکا توسط حکومت ایالات متحده امریکا که در ۱۵ اوت ۱۹۵۵ در تهران امضا و در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ الزام‌آور شد»^۱ نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوا کرد.^۲ دیوان به‌عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد، در ۳۰ مارس ۲۰۲۳، رأی خود در قضیه موسوم به *برخی اموال ایران* را صادر کرد. این رأی، نهایی^۳ الزام‌آور^۴ و غیرقابل تجدیدنظر^۵ است.^۶

دیوان بین‌المللی دادگستری با بررسی گستره تعهد مقرر در جمله آغازین بند نخست ماده ۳ معاهده مودت که مقرر داشته است باید وضعیت حقوقی شرکت‌هایی که به موجب مقررات و قوانین حقوقی قابل اعمال هر یک از طرفین متعاقد ایجاد شده‌اند، در سرزمین طرف دیگر متعاقد به رسمیت شناخته شود،^۷ احراز داشته که اختلاف طرفین در خصوص به‌رسمیت‌شناختن وضعیت حقوقی است.^۸ تحقیق حاضر در صدد است تا به مسئولیت بین‌المللی امریکا بابت به‌رسمیت‌شناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های خارجی در قضیه *برخی اموال ایران* پردازد و به این منظور بر رویه محاکم قضایی و داوری بین‌المللی و نیز آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد نظر دوخته شده است. شایسته توجه است که بحث مسئولیت بین‌المللی شامل سه بخش کلان تحقق مسئولیت، پیامدهای مسئولیت و اعمال آن است که دو بخش پیامد و اعمال، متوقف به تحقق مسئولیت هستند. در واقع، مادامی که مسئولیت محقق نشده باشد، سخن از پیامدها و اعمال آن محلی از اعراب ندارد. نظر به اهمیت بحث تحقق مسئولیت، پژوهش پیش رو بر آن شده است تا سیر استدلال‌های مطروحه در خصوص تحقق مسئولیت امریکا بابت به‌رسمیت‌شناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های خارجی در قضیه *برخی اموال ایران* را در پرتو رویه محاکم قضایی و داوری بین‌المللی و مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل بررسی کند.

در جستار پیش رو به منظور نائل آمدن به نظریه، نخست به شرح ماوقع پرداخته می‌شود و پس از

1. "Violations by The Government of the United States of America of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between Iran and the United States of America which was signed in Tehran on 15 August 1955 and Entered into Force on 16 June 1957".

2. *Certain Iranian Assets*, ICJ, Press Release, No. 2016/19, 15 June, 2016, p. 1. Available at <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/19032.pdf>

3. Final

4. Binding

5. Without Appeal

6. *Certain Iranian Assets*, ICJ, Press Release, No. 2023/15, 30 March 2023, p. 1. Available at <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20230330-PRE-01-00-EN.pdf>

7. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between the United States of America and Iran*, Signed at Tehran, UNTS Vol. No. 284, 15 August 1955. Art. 3(1).

8. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, para. 135.

آن به انتساب عمل و در نهایت به نقض تعهد بین‌المللی به‌عنوان دو عنصر لازم برای تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی پرداخته می‌شود. در این راه، نویسنده در صدد برآمده است تا نگرش روش‌شناختی دیوان در خصوص ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی بابت به‌رسمیت‌نشناختن شخصیت حقوقی کشور آمریکا را با این فرضیه نقد کند که رویکرد روش‌شناختی دیوان در این خصوص، مغایر با رویه سابق بوده است؛ امری که خود می‌تواند در آرای آتی دیوان که اکنون در حال بررسی هستند نیز حائز اهمیت باشد.

۱. شرح ماقوع

به منظور بررسی تحقق مسئولیت بین‌المللی باید دو عنصر سازنده عمل متخلفانه بین‌المللی، یعنی انتساب و نقض تعهد بین‌المللی، تکوین یافته باشند و از این رو، سطور پیش رو کوشیده است تا به نحو مختصر به شرح ماقوع بپردازد. از این رو نخست در حد ضرورت و به اختصار به شرح ماقوع پرداخته شده و در دو بخش بعدی مقاله که به انتساب و نقض تعهد بین‌المللی پرداخته‌اند، از مطالب مطروحه در این بخش استفاده شده است. ایران و ایالات متحده آمریکا معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی^۹ را در اوت ۱۹۵۵ در شهر تهران امضا کردند که آن معاهده، در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷، به موجب حقوق بین‌الملل معاهدات، الزام‌آور شده است.^{۱۰} دو کشور در ۱۹۷۹ روابط دیپلماتیک خود را با یکدیگر قطع کردند.^{۱۱} آمریکا در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ به موجب مقررات داخلی خود، ایران را دولت حامی تروریسم اعلام^{۱۲} و همواره بر این موضع خود اصرار کرده است.^{۱۳} آمریکا در ۱۹۷۶ قانون خویش در خصوص مصونیت‌های خارجی را تصویب و در ۱۹۹۶ اصلاحیه راجع به استثنای مرتبط با تروریسم را اضافه^{۱۴} و به موجب آن مقرر کرد دولت‌هایی که به‌عنوان حامی تروریسم اعلام کرده است، در مواردی نظیر شکنجه،^{۱۵} کشتار فراقضایی،^{۱۶} اختلال در هواپیما،^{۱۷} گروگان‌گیری^{۱۸} یا ارائه حمایت مادی^{۱۹} برای چنین اقداماتی نیز نزد دادگاه‌های آمریکا، مصونیت از رسیدگی ندارند.^{۲۰} افزون بر این، به موجب قانون یادشده، استثنائاتی برای مصونیت از

9. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights.*

10. <https://treaties.un.org/pages/showdetails.aspx?objid=0800000280142196>

11. *United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, United States of America v. Iran*, ICJ Judgment of 24 May, 1980, pp. 5 & 6.

12. <https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/>

13. <https://www.congress.gov/event/115th-congress/house-event/108155/text>

14. *The Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)*, 28 U.S.C. §§ 1330, 1441, 1602-1611, 21 October, 1976.

15. Torture

16. Extrajudicial Killing

17. Aircraft Sabotage

18. Hostage Taking

19. Provisional of Material Support

20. *FSIA* Section 1605(a)(7).

اجرا در چنین مواردی در نظر گرفته شده است. متعاقب آن، اشخاص به منظور دریافت خسارت‌های ناشی از مرگ‌ها و صدماتی که ادعا می‌کردند با حمایت ایران از جمله حمایت نظامی ایران صورت گرفته است، نزد دادگاه‌های امریکا علیه ایران اقامه دعوا کردند.^{۲۱} این اقدامات در اثنای دیگر پرونده‌ها راجع به اقدامات ادعایی در خصوص تروریسم، منجر به طرح قضیه موسوم به پترسون^{۲۲} شد. دادگاه امریکا طی رأی خود در قضیه موسوم به پترسون، کشور ایران را حامی تروریسم دانسته است.^{۲۳} ایران با این استدلال که این قانون امریکا ناقض حقوق بین‌الملل در خصوص مصونیت دولت است،^{۲۴} از حضور در این رسیدگی‌ها امتناع کرد.^{۲۵} امریکا در ۲۰۰۸ قانون مربوط به مصونیت خارجی را اصلاح کرد و دسته اموالی را که برای اجرای رأی و استیفای محکوم‌به مدنظر قرار دارد، گسترش داد و به‌طور خاص، تمام اموالی را که نهادهای دولتی^{۲۶} آن کشوری که امریکا حامی تروریسم خوانده است دربرگرفت.^{۲۷} رئیس‌جمهور وقت امریکا در ۲۰۱۲ فرمان اجرایی^{۲۸} ۱۳۵۹۹ را در خصوص مسدودسازی اموال حکومت ایران و نهادهای اقتصادی ایران، صادر و تمام دارایی‌های حکومت ایران، از جمله دارایی‌های بانک مرکزی و دیگر نهادهای مالی ایران را که در سرزمین امریکا یا در مالکیت یا کنترل هر شخص امریکایی نظیر هر شعبه خارجی قرار داشتند، مسدود کرد.^{۲۹} امریکا قانون «کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه»^{۳۰} را در ۲۰۱۲ گذراند^{۳۱} و به منظور پرداخت بدهی‌ها به موجب آرای که علیه ایران در قضیه پترسون صادر شده بود، دارایی‌های بانک مرکزی را موضوع اجرا قرار داد.^{۳۲} بانک مرکزی، اعتبار این مقرر نزد دادگاه‌های

21. *Deborah D. Peterson, Personal Representatives of the Estate of James C. Knipple et al. v. Islamic Republic of Iran (Peterson v. Iran)*, USA, District Court, Southern District of New York, USA, No. 10cv 4518 (BSJ), 15 March, 2012.

22. Peterson

23. *Peterson v. Iran*, p. 4.

24. مقصود ایمانی مرکید، «مصونیت اموال بانک مرکزی ایران در امریکا: مطالعه موردی قضیه پترسون»، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی ۳۲(۱۳۹۳): ۶۰۲.

25. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, *op.cit.*, p. 11.

26. Meijknecht, Anna, "Hague Case Law: Latest Developments", *Netherlands International Law Review*, vol. 70(2023) para. 3.

27. مراد از نهاد دولتی در اینجا، نهادی است که دولت مالک آن باشد.

28. <https://uscode.house.gov/view.xhtml?path=/prelim@title28/part4/chapter97&edition=prelim>

29. Executive Order

30. *Administration of Barack Obama*, Executive Order 13599_Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions, 5 February, 2012.

31. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act, Public Law 112-158, August 10, 2012.

32. <https://www.congress.gov/bill/112th-congress/house-bill/1905/text>

33. Meijknecht, *Hague Case Law: Latest Developments*, para. 3.

امریکا را به چالش کشید.^{۳۴} این در حالی است که دادگاه عالی امریکا در نهایت، آن را تأیید کرد.^{۳۵} متعاقب اقدامات تقنینی و اجرایی امریکا، آرای زیادی علیه دولت ایران و گاهی علیه نهادهای دولتی ایران، توسط دادگاه‌های امریکا صادر شده‌اند. دارایی‌های ایران و برخی از نهادهای ایران نظیر بانک مرکزی، در قضایای متعدد، موضوع فرایند اجرایی در امریکا یا خارج واقع شدند. ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوا و اظهار کرد که در نتیجه اقدامات اجرایی، تقنینی و قضایی امریکا خسارت جدی و مستمر به ایران و نهادهای ایران وارد شده است. جمهوری اسلامی ایران، به‌طور خاص از دیوان خواست تا به این موضوع رسیدگی و اعلام کند که امریکا تعهدات خود به موجب معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی را نقض کرده و از این رو، بابت خسارتی که به جمهوری اسلامی ایران وارد کرده، متعهد به جبران کامل خسارت است. ایران به ماده (۲) ۲۱ معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی به‌عنوان مبنای صلاحیتی دیوان استناد کرد. امریکا در ۱ مه ۲۰۱۷ ایرادات مقدماتی را بر صلاحیت دیوان و قابلیت پذیرش دادخواست مطرح کرد. این کشور ادعا داشت که ایران، با *دستان پاک* نزد دیوان اقامه دعوا نکرده است و از این رو درخواست کرد که دادخواست ایران غیرقابل پذیرش اعلام شود. امریکا ادعا داشت که ایران از تروریسم بین‌المللی پشتیبانی و حمایت کرده و اقدامات بی‌ثبات‌کننده در مغایرت با معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای انجام داده است.^{۳۶}

دیوان در رأی خود اظهار کرد که بدون آنکه موضعی در مورد *دکترین دستان پاک* اتخاذ کند، بر این نظر است که حتی چنانچه نشان داده شود که رفتار خواهان متخلفانه بوده است، به خودی خود، برای تأیید ایراد به قابلیت پذیرش دعوا به آن گونه که خواننده بر اساس نظریه *دستان پاک* مدعی شده است، پذیرفته نیست. در ادامه، با توجه به داده‌های مطروحه در قسمت شرح مواقع، به دو عنصر سازنده عمل متخلفانه بین‌المللی کشور امریکا که موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی آن کشور است پرداخته می‌شود.

۲. انتساب عمل در خصوص «به‌رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های ایرانی» به کشور امریکا

اقامه دعوی ایران علیه امریکا در خصوص مجموعه‌ای از اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی است که امریکا از ۲۰۰۲ دست به انجام آن‌ها زده است.^{۳۷} با درنظرگرفتن این حقیقت که دولت-کشور به‌عنوان

34. *Certain Iranian Assets*, p. 11.

35. *Bank Markazi v. Peterson*, USA, Supreme Court, Docket No. 14-770, 20 April, 2016, Supreme Court Reporter, pp. 14 & 15.

36. *Certain Iranian Assets, Islamic Republic of Iran v. United States of America*, Preliminary Objections, ICJ Judgment of 13 February, 2019, para. 116.

37. *Certain Iranian Assets*, p. 6.

تابع فعال و اولیه جامعه بین‌المللی، یک شخص حقوقی است، موضوع انتساب عمل به آن شخص حقوقی بسیار حائز اهمیت است. در واقع، در بحث تحقق مسئولیت بین‌المللی کشور، اولین عنصر که لازم است تکوین یابد، این است که رفتار ارتکاب‌یافته، رفتار کشور دانسته شود.^{۳۸ و ۳۹} رفتار کشور می‌تواند هر رفتاری نظیر عمل تقنینی، قضایی یا اجرایی یا هر عمل دیگری را شامل شود. چنانچه تعهد اولیه اقتضا کند، اعمالی نظیر صرف «تهدید»،^{۴۰} «تصمیم قضایی نهایی»،^{۴۱} «تأمین تسهیلات»،^{۴۲} «اتخاذ اقدامات احتیاطی»^{۴۳} یا «اجرای یک امر ممنوع»^{۴۴} نیز به خودی خود می‌توانند نقض تعهد بین‌المللی باشند.^{۴۵} به موجب مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی،^{۴۶} که قاطبه مواد آن جامعه حقوق بین‌المللی عرفی به خود پوشیده‌اند، نقض تعهد اولیه، خود تعهد دیگری ایجاد می‌کند که تعهد ثانویه نامیده می‌شود و قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی متضمن تعهدات ثانویه هستند.^{۴۷} حقوق مسئولیت بین‌المللی، زمینه‌ای از حقوق بین‌الملل است که قواعد آن متضمن تعهدات ثانویه هستند،^{۴۸} یعنی تعهداتی که در پس نقض تعهد اولیه، صرف‌نظر از مبنا و منشأیی که دارند مطرح می‌شوند.^{۴۹ و ۵۰} در حقوق بین‌الملل موضوعه، حقوق مسئولیت بین‌المللی، گویای مسئولیت حقوقی (غیر کیفری) بین‌المللی است و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند که مسئولیت حقوقی (غیر کیفری) بین‌المللی

۳۸. سیدقاسم زمانی و منالسادات میرزاده، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی از منظر روبه‌قضایی و داوری بین‌المللی»، پژوهش حقوق عمومی ۱۵، ۴۰ (۱۳۹۲): ۱۱۶.

39. Álvarez Ortega and Elena Laura "The Attribution of Responsibility to a State for Conduct of Private Individuals within the Territory of Another State", *InDert*, vol. I, (2015): 3.

40. "Threat"

41. "Final Judicial Decision"

42. "Provision of Facilities"

43. "Taking of Precautions"

44. "Enforcement of a Prohibition"

45. *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA)*, ILC Yearbook, vol. II, part. 2, 2001: 55.

46. *Ibid.*

47. *Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Compilation of Decisions of International Courts, Tribunals and other Bodies*, UNGA (2016). A/71/80, Report of the Secretary-General, p. 2; Bordin, Fernando Lusa "Reflections of Customary International Law: The Authority of Codification Conventions and ILC Draft Articles in International Law", *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 63(2014): 562-564.

۴۸. علیرضا ابراهیم‌گل، اقدامات متقابل و مسئولیت بین‌المللی ناشی از منافع جمعی (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲)، ۱۳.

49. *ARSIWA*, Arts. 54 & 55.

۵۰. سیدجمال سیفی، «وحدت مسئولیت «قراردادی و غیرقراردادی» بین‌المللی و آثار آن در حقوق معاهدات»، تحقیقات حقوقی ۱، ۱۳ و ۱۴ (۱۳۷۳): ۲۵۹ و ۲۶۰.

دارند^{۵۱} ولی مسئولیت بین‌المللی کیفری متوجه اشخاص حقیقی است.^{۵۲} مسئولیت بین‌المللی بدون هیچ قرینه‌ای بیانگر مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری است؛ از این رو گفته شده است که چنانچه مسئولیت بین‌المللی به کار برود، منظور مسئولیت غیرکیفری است، مگر آنکه از قرائن برآید که منظور، مسئولیت کیفری است یا اینکه به‌صراحت از مسئولیت کیفری یاد شود.^{۵۳}

به‌رغم آنکه مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، در حد طرح باقی مانده و از ۲۰۰۱ تا هنوز جامعه معاهده به خود نپوشیده است، از سوی تابعان جامعه بین‌المللی و حتی نزد محاکم بین‌المللی مورد استناد است که خود، نشان از اهمیت و مقبولیت آن دارد. به موجب مقرره مندرج در ماده ۱ مجموعه مواد ۲۰۰۱ نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، «هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن دولت است».^{۵۴} دولت در مفهوم موسع مدنظر است و این به آن معناست که دولت با تمام ارگان‌های قضایی، تقنینی و اجرایی، مطمح نظر قرار دارد.^{۵۵} در خصوص تحقق مسئولیت بین‌المللی، شایسته امان نظر است که به محض ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی کشور، مسئولیت بین‌المللی آن کشور محقق است.^{۵۶} به این ترتیب، به محض آنکه عناصر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی تکوین یابند، عمل متخلفانه بین‌المللی ارتکاب یافته و به محض آنکه عمل متخلفانه بین‌المللی ارتکاب یابد، مسئولیت بین‌المللی محقق شده است. از این رو تحقق مسئولیت بین‌المللی به‌طور خودکار، متعاقب ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی تحقق می‌یابد و این امر بدون نیاز به انجام هرگونه عمل دیگری از سوی زیان‌دیده یا هر شخص دیگری است.

اقدامات مدنظر ایران در اقامه دعوا علیه امریکا در قضیه برخی اموال ایران، شامل بخش ۲۰۱ (الف) قانون امریکا در خصوص بیمه ریسک تروریسم^{۵۷} و بخش ۱۶۱۰(ز)(۱) قانون امریکا در خصوص مصونیت خارجی^{۵۸} و نیز اعمال آن مقرره‌ها به موجب احکام دادگاه‌های امریکا است.^{۵۹} کمیسیون حقوق بین‌الملل در مجموعه مواد ۲۰۰۱ به منظور احتراز از جدال‌ها در خصوص مصادیق

۵۱. محمدرضا ضیائی بیگدلی، «نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، (پژوهش حقوق و سیاست ۱۳(۱۳۸۳): ۵.

۵۲. ملکم شاو، حقوق بین‌الملل: مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی، ترجمه: اسماء سالاری (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴)، ۸۹ - ۹۰.

۵۳. ضیائی بیگدلی، همان، ۹.

54. ARSIWA, Art. 1.

55. Ibid., p. 32, paras. 1 & 4.

56. Ibid., p. 32, para. 2.

57. Terrorism Risk Insurance Act (TRIA), H.R. 3210, Pub. L. 107-297, 26 November, 2002.

58. Certain Iranian Assets, ICJ Judgment, paras. 26 & 27.

59. Ibid., para. 110.

منابع حقوق بین‌الملل، به جای استفاده از عبارت «منبع حقوق بین‌الملل»،^{۶۰} از عبارت «منشأ تعهد»^{۶۱} استفاده کرده است. در خصوص موضوع انتساب عمل به کشور، هر یک از موارد انتساب، به آن نحو که در مواد ۴ تا ۱۱ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد منعکس شده است، احراز بشود، رفتار به آن کشور منتسب است و این به آن معناست که رفتار ارتکاب‌یافته، رفتار آن کشور تلقی می‌شود.^{۶۲}

در قضیه برخی اموال/ایران، از میان موارد هشت‌گانه‌ای که از رهگذر هر یک از آن‌ها انتساب محرز است، می‌توان به دو مورد تکیه کرد. البته همان‌طور که در شرح و تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل از موارد انتساب تصریح شده است که خود، مقتضای عقل است، در راه انتساب عمل به کشور، حتی در صورتی که یک مورد از موارد هشت‌گانه انتساب هم محرز شود، آن عمل به کشور منتسب است.^{۶۳} مطابق مقررۀ مندرج در ماده ۴ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، به موجب حقوق بین‌الملل، عمل هر ارگان کشور، عمل آن کشور است. حقوق بین‌الملل، عمل ارگان کشور را عمل کشور قلمداد می‌کند و این قطع نظر از آن است که ارگان مزبور چه کارکردی دارد و نیز اعم از آن است که ارگان یادشده در نظام‌های حقوق فدرال، عضوی از دولت مرکزی دانسته بشود یا عضوی از واحد دولت محلی. به موجب بند ۲ از ماده ۴ از مجموعه مواد یادشده، ارگان، شامل هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌شود که به موجب مقررات حقوق داخلی آن کشور، هرگونه کارکردی از جمله کارکرد تقنینی، اجرایی یا قضایی داشته باشد.

بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت مقرر داشته است که باید وضعیت حقوقی شرکت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قابل اعمال هریک از طرفین معظم متعاهد ایجاد شده‌اند، در سرزمین دیگر طرف معظم متعاهد به رسمیت شناخته شود.^{۶۴} بند ۱ ماده ۴ معاهده مودت داشته است که هر طرف معظم متعاهد باید در هر زمان با اتباع و شرکت‌های دیگر طرف معظم متعاهد و نیز اموال و تشکیلات اقتصادی آن‌ها بر اساس رفتار عادلانه و منصفانه برخورد کند و از اعمال اقدامات غیرمعقول و تبعیض‌آمیز که به منافع و حقوق مکتسبه قانونی لطمه وارد می‌آورد، اجتناب و تضمین کند که حق‌های قانونی آن‌ها به موجب توافق حاصل‌شده، از طریق سازوکارهای مؤثر اجرایی، مطابق با مقررات حقوقی قابل اعمال، حاصل می‌شوند.^{۶۵} از این رو مطابق ماده ۴(۱) معاهده یادشده،

60. "Source of International Law"

61. "Origin of Obligation"

62. Fry, James D. "Attribution of Responsibility", in André Nollkaemper, and Ilias Plakokefalos (edn.), *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge University Press (2014): 116.

63. ARSIWA: 40 - 41, para. 6 and 52 - 53, paras. 4- 5.

64. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights*, Art. 3(1).

65. *Ibid.*, Art. 4(1).

هر یک از طرفین در تمام منافع در خصوص اتباع و شرکت‌های طرف دیگر و اموال آن‌ها باید منصفانه و عادلانه رفتار کنند و از اتخاذ اقدامات غیرمعمول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی آن‌ها خدشه وارد کند اجتناب و حتی به منظور اجرای حقوق قانونی آن‌ها که در نتیجه توافق حاصل شده است، وسایل مؤثر مطابق با قوانین مربوطه تهیه و تأمین کنند.^{۶۶}

عمل هر ارگان دولتی، صرف‌نظر از کارکرد آن، به کشور منتسب است، یعنی عمل ارگان‌های کشور با کارکرد اجرایی، تقنینی، قضایی یا هر کارکرد دیگر، به کشور انتساب می‌یابد. از این رو، قانون کشور یا فرمان اجرایی هر ارگان کشور، منتسب به کشور است. به موجب بند ۲ ماده ۴ از مجموعه مواد ۲۰۰۱، حتی یک شخص حقیقی هم می‌تواند ارگان محسوب شود. از این رو حتی چنانچه عملی از سوی یک شخص حقیقی ارتکاب یابد، قابل انتساب به کشور است و این به آن جهت است که ارگان، شامل شخصی می‌شود که به موجب حقوق داخلی آن کشور، کارکردی نظیر کارکرد تقنینی، قضایی یا اجرایی داشته باشد و شخص مزبور در بند ۲ ماده ۴ از مجموعه مواد ۲۰۰۱ می‌تواند شخص حقیقی هم باشد. به این ترتیب، حتی اگر فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ تنها از سوی یک شخص حقیقی صادر شده باشد، باز هم منتسب به کشور امریکا است.

در قضیه برخی اموال ایران، بایسته است که به ترک فعل هم توجه شود؛ اعمالی که امریکا باید انجام می‌داد ولی از انجام آن امتناع ورزیده است. به‌طور مثال، چنانچه در بحث نقض تعهد بین‌المللی اشاره خواهد شد، در صورتی هم که امریکا متعهد دانسته شود که عملی را انجام دهد ولی از آن امتناع کند، آن ترک فعل به کشور منتسب است. در واقع، همان‌طور که نقض تعهد شامل عمل ایجابی و عمل سلبی است، در بحث انتساب نیز افعال سلبی و ایجابی به کشور قابل انتساب قلمداد می‌شوند.

در قضیه یادشده، دیوان بین‌الملل دادگستری در مقام ترافع، احراز کرد که طرفین در خصوص گستره محدودیت‌هایی که معاهده مودت بر صلاحیت تقنینی دولت بار کرده است، دیدگاه‌های متفاوتی دارند.^{۶۷} از این امر می‌توان دانست که عمل تقنینی مربوط، منتسب به امریکا است و بحث بر سر آن شده است که نقض تعهد دانسته می‌شود یا خیر. از این رو دست‌کم در حوزه اقدام تقنینی امریکا، حتی خود امریکا هم انتساب عمل را که خود، یکی از دو عنصر لازم برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی تلقی می‌شود، تلویحاً پذیرفته و بر سر آن بحثی نداشته است. در واقع، در این خصوص، اختلاف طرفین، اساساً حول محور بی‌اعتنایی به شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های ایرانی و متعلقات آن شرکت‌ها و به‌اجرا گذاشتن اموال شرکت‌های ایرانی به منظور اجرای رأی و استیفای محکوم‌به بوده است.^{۶۸}

66. Ibid.

67. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, para. 122.

68. Ibid., para. 122.

در خصوص بحث تکوین عنصر انتساب به‌عنوان یکی از دو عنصر لازم برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، شایسته توجه است که علاوه بر ماده ۴ مجموعه مواد ۲۰۰۱ که خود جامعه عرفی به تن دارد، می‌توان به ماده ۱۱ نیز اشاره و به آن تکیه کرد. به موجب ماده ۱۱ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، رفتار تا حدی که مورد تأیید کشور باشد، به آن کشور منتسب است. با این حال، با در نظر گرفتن اینکه اعمال تقنینی، اجرایی و قضایی امریکا از سوی ارگان‌های امریکا انجام شده‌اند، وفق ماده ۴ مجموعه مواد یادشده، اعمال مزبور منتسب به امریکا است و نیازی به بررسی و احراز تأیید بعدی رفتار توسط امریکا نیست. به هر روی، حتی چنانچه در بادی امر، رفتار صورت‌گرفته، رفتار ارگان کشور امریکا قلمداد نمی‌شد، بدون تردید، اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی به جهت تأیید صریح و حتی ضمنی بعدی امریکا، منتسب به آن کشور قلمداد می‌شود.

به این ترتیب، در خصوص انتساب اعمال اجرایی، تقنینی و قضایی مزبور در قضیه برخی اموال / ایران، بدون تردید، عنصر انتساب به‌عنوان یکی از دو عنصر تشکیل‌دهنده عمل متخلفانه بین‌المللی به آن نحو که مسئولیت بین‌المللی را در بر دارد، تکوین یافته است.

اینک لازم است به عنصر دوم یعنی نقض تعهد بین‌المللی کشور امریکا بابت به‌رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های ایرانی پرداخته شود.

۳. نقض تعهد اولیه بین‌المللی کشور امریکا بابت «به‌رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های ایرانی»

طرح قضیه برخی اموال / ایران، بابت اقداماتی است که امریکا از ۲۰۰۲ انجام داده است.^{۶۹} در این باره شایسته توجه است که نقض تعهد بین‌المللی دولت، مفهوم شناخته‌شده و قدیمی قلمداد می‌شود و افزون بر اینکه شامل تعهدات ناشی از معاهده می‌شود، تعهدات غیرمعاهداتی را دربرمی‌گیرد. در بعضی موارد، مورد انتظار است که دولت، رفتاری مشخص و منجز انجام دهد اما این وضعیت نیز متصور است که تعهد بین‌المللی، متضمن یک معیار حداقلی باشد و در این صورت، دولت فراتر از آن حداقل، تعهدی ندارد.^{۷۰} بنابراین، اینکه دولت چه رفتاری اعم از آنکه فعل باشد یا ترک فعل یا ترکیبی از آن دو، انجام دهد، بستگی به محتوای تعهد اولیه دارد. آنچه برای نقض تعهد اولیه کفایت می‌کند آن است که برخلاف تعهد اولیه عمل شود. ممکن است رفتار کشور شامل هرگونه رفتاری اعم از اقدام تقنینی، قضایی، اجرایی یا هر اقدام دیگر باشد و این به‌طور کامل در مقایسه رفتار واقعی کشور با رفتاری که تعهد بین‌المللی آن کشور ایجاب می‌کند، روشن می‌شود. شایسته توجه است که سنجیدن

69. Ibid. 6.

70. ARSIWA, Art. 3.

مطابقت یا مغایرت عمل با تعهد موجود، انعطاف‌پذیر است و باید در هر مورد، به‌طور مشخص با توجه به محتوای آن تعهد موجود بررسی شود.^{۷۱} به موجب مقرره مندرج در ماده ۱۲ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، چنانچه کشور، عملی مغایر با تعهد بین‌المللی خود انجام دهد، تعهد خویش را نقض کرده و این قطع نظر از آن است که تعهد مربوطه، چه منشأ یا ماهیتی دارد. در واقع، ماده ۱۲ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل دربردارنده یک قاعده است که متأثر از منشأ و ماهیت آن تعهد نیست. مراد کمیسیون از اینکه گفته است «منشأ»^{۷۲} تعهد، تأثیری در تحقق نقض تعهد بین‌المللی ندارد، این است که آن تعهد بین‌المللی می‌تواند ناشی از هر یک از منابع حقوق بین‌الملل، نظیر حقوق بین‌الملل عرفی، معاهده بین‌المللی یا اصول کلی حقوقی بین‌المللی باشد. عواملی که منشأ تعهد هستند با یکدیگر تعامل دارند.^{۷۳} از این رو در خصوص نقض تعهد بین‌المللی، منشأ تعهد فرقی ندارد و در خیلی از مواقع، این وضعیت متصور است که یک تعهد، بیش از یک منشأ داشته باشد. به‌طور مثال، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای موسوم به *فلات قاره دریای شمال* و نیز در *فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده آمریکا در و علیه نیکاراگوئه* احراز کرده که قاعده‌ای یکسان، افزون بر اینکه در معاهده بین‌المللی مقرر شده است، می‌تواند واجد شأن عرفی باشد.^{۷۴} مقررات یک معاهده بین‌المللی چندجانبه، تاب آن را دارد که جامه حقوق بین‌الملل عرفی به تن کند^{۷۵} و از آن سو مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در تفسیر یک معاهده، حائز اهمیت شمرده می‌شوند.^{۷۶} اقدامات مدنظر ایران در اقامه دعوا علیه آمریکا در قضیه *برخی اموال ایران*، شامل بخش ۲۰۱ (الف) قانون آمریکا در خصوص بیمه ریسک تروریسم^{۷۷} و بخش ۱۶۱۰ (ز) (۱) قانون آمریکا در خصوص مصونیت خارجی^{۷۸} و نیز اعمال آن مقرره‌ها توسط دادگاه‌های آمریکا است.^{۷۹} در حقوق بین‌الملل، گزاره نقض تعهد، اغلب به معنای رفتار مغایر با حقوق سایرین در نظر گرفته شده است.^{۸۰} دیوان احراز کرد که طرفین در خصوص گستره محدودیت‌هایی که معاهده مودت بر صلاحیت تقنینی دولت بار کرده است، دیدگاه‌های متفاوتی دارند.^{۸۱}

71. Ibid., Art. 13.

72. "Origin"

73. *Draft Conclusions on Identification of Customary International Law*, (2018) Conclusions 6, 10 & 11.

74. *North Sea Continental Shelf, Federal Republic of Germany/Denmark, Contentious*, ICJ Judgement, 20 February, 1969, para. 63; *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Nicaragua v. United States of America*, Merits, ICJ Judgment of 27 June, 1986, para. 177.

75. *Draft Conclusions on Identification of Customary International Law*, Conclusion 6, para. 2.

76. Buga, Irina, "The Impact of Subsequent Customary International Law on Treaties: Pushing the Boundaries of Interpretation?", *Netherlands International Law Review*, Vol. 69(2022): 241.

77. *TRIA*.

78. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, paras. 26 - 27.

79. Ibid., para. 110.

80. *ARSIWA*: 35

81. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, para. 122.

اختلاف طرفین، اساساً راجع به نادیده گرفتن شخصیت حقوقی جداگانه شرکت‌های ایرانی و متعلقات آن‌ها و به‌اجراگذاردن اموال آن‌ها به منظور اجرای رأی و استیفای محکوم‌به بابت آرای است که علیه ایران صادر شده‌اند.^{۸۲} همسو با موضع دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه موسوم به بعضی فسفات‌ها در مراکش،^{۸۳} برخی معتقدند که متقابل بودن حقوق و تعهدات، خصیصه عام حقوق بین‌الملل است و از این رو بر این باورند که تعهد بین‌المللی یک تابع حقوق بین‌الملل می‌تواند با حق بین‌المللی یک تابع دیگر مرتبط باشد.^{۸۴} این وضعیت متصور است که کشورها از طرق مختلف، ذی‌نفع یک تعهد قلمداد بشوند یا در مورد اجرای آن، منافع متفاوتی داشته باشند.^{۸۵} در این باره، استدلال‌های اصلی راجع به تفسیر ماده ۳(۱) و ماده ۴(۱) معاهده مودت^{۸۶} و اعمال آن‌ها در اوضاع و احوال قضیه حاضر است.^{۸۷} بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت مقرر داشته است که باید وضعیت حقوقی شرکت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قابل اعمال هریک از طرفین معظم متعاهد ایجاد شده‌اند، در سرزمین دیگر طرف معظم متعاهد به رسمیت شناخته شود.^{۸۸} بند ۱ ماده ۴ معاهده مودت مقرر داشته است که هر طرف معظم متعاهد باید در هر زمان با اتباع و شرکت‌های دیگر طرف معظم متعاهد و نیز اموال و تشکیلات اقتصادی آن‌ها بر اساس رفتار عادلانه و منصفانه برخورد کند و از اعمال اقدامات غیرمعقول و تبعیض‌آمیز که به منافع و حقوق مکتسبه قانونی لطمه وارد می‌آورد، اجتناب و تضمین کند که حق‌های قانونی آن‌ها به موجب توافق حاصل شده، از طریق سازوکارهای مؤثر اجرایی، مطابق با مقررات حقوقی قابل اعمال حاصل می‌شوند.^{۸۹} از این رو مطابق با ماده ۴(۱) معاهده یادشده، هریک از طرفین، در تمام منافع در خصوص اتباع و شرکت‌های طرف دیگر و اموال آن‌ها باید منصفانه و عادلانه رفتار کنند و از اتخاذ اقدامات غیرمعقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی آن‌ها خدشه وارد کند اجتناب و حتی به منظور اجرای حقوق قانونی آن‌ها که در نتیجه توافق حاصل شده است، وسایل مؤثر مطابق با قوانین مربوطه تهیه و تأمین کنند.^{۹۰}

در خصوص نقض تعهد بین‌المللی به آن گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل منعکس شده است، هیچ استثنائی وجود ندارد و حتی ورود خسارت هم لزوماً شرط تحقق نقض تعهد بین‌المللی قلمداد نمی‌شود. ورود خسارت، در صورتی بایسته تحقق نقض تعهد بین‌المللی

82. Ibid., para. 122.

83. *Phosphates in Morocco*, PCIJ, Series A/B74, 14 June, 1938, p. 22.

84. ARSIWA: 35.

85. Ibid., 35.

86. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights*, Arts. 3(1) & 4(1).

87. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment., para. 122.

88. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights*, Art. 3(1).

89. Ibid., Art. 4(1).

90. Ibid., Art. 4(1).

است که آن تعهد اولیه، این گونه لازم بدارد. در واقع، اینکه ورود خسارت به‌عنوان شرط نقض تعهد بین‌المللی قلمداد بشود، بستگی به محتوای آن تعهد اولیه دارد و از این رو، ورود خسارت، یک شرط عام برای نقض تعهد بین‌المللی نیست. بدون تردید، قصد ایراد صدمه و خسارت هم شرط عام نقض تعهد بین‌المللی نیست. یکی از تقسیمات ارائه‌شده از تعهدات بین‌المللی، تقسیم آن‌ها به تعهدات به نتیجه و تعهدات به وسیله است ولی در این باره، شایسته توجه است که در بحث نقض تعهد بین‌المللی، ترسیم تمایز بین تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله در نقض تعهد بین‌المللی تعیین‌کننده نیست^{۹۱} و تا این اندازه کافی است که عمل صورت‌گرفته مغایر با تعهد بین‌المللی به آن گونه که مقرر شده است، قلمداد بشود. از این رو این وضعیت متصور است که صرف تصویب قانون، نقض تعهد بین‌المللی قلمداد شود. البته در صورتی که قانون مصوب، تاب این را داشته باشد که به نحوی اجرا شود تا مغایر با تعهد بین‌المللی نباشد، دیگر نقض تعهد بین‌المللی نخواهد بود. دیوان در قضیه برخی اموال/ایران با بررسی گستره تعهد مقرر در جمله آغازین بند نخست ماده ۳ معاهده مودت که مقرر داشته است باید وضعیت حقوقی شرکت‌هایی که به موجب مقررات و قوانین حقوقی قابل اعمال هریک از طرفین معظم متعاهد ایجاد شده‌اند، در سرزمین طرف دیگر متعاهد به رسمیت شناخته شود،^{۹۲} اظهار داشت که اختلاف طرفین در خصوص به‌رسمیت‌شناختن وضعیت حقوقی است.^{۹۳} به موجب رویکرد ایران، این به‌رسمیت‌شناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های ایرانی، متضمن تعهد به اثربخشی به وضعیت حقوقی شرکت‌ها به آن گونه است که توسط دولت محل تأسیس شرکت‌ها معین شده است و شخصیت حقوقی مجزا، از آن جمله است.^{۹۴}

این در حالی است که در طرف مقابل، امریکا قائل بر این رویکرد بود که عبارت به‌رسمیت‌شناختن وضعیت حقوقی شرکت‌ها به آن گونه که در بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت مقرر شده است،^{۹۵} بیانگر شناسایی وجود حقوقی شرکت است و گویای شخصیت حقوقی جداگانه آن‌ها نیست.^{۹۶} ماده (۱)۵ معاهده مودت مقرر داشته است که اتباع و شرکت‌های هریک از طرفین معظم متعاهد باید مجاز باشند تا در گستره سرزمین طرف دیگر متعاهد، در مدت‌های مناسب، اموال غیرمنقول لازم را برای سکونت یا فعالیت‌های ناشی از عهدنامه حاضر اجاره کنند. نیز اموال منقول شخصی را از هر قبیل خریداری یا به نحو دیگری تحصیل و همین طور، اموال خود را از هر قبیل به وسیله فروش یا وصیت یا غیر آن واگذار کنند. رفتاری که در این موارد صورت پذیرد در هیچ موردی از رفتاری که در خصوص اتباع و شرکت‌های هر کشور ثالثی انجام گیرد، نامساعدتر نخواهد

91. *Islamic Republic of Iran v. USA*, IUSCT, Case A15(IV) and A24, vol. 32, 1996, p. 115.

92. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights*, Art. 3(1).

93. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, para. 135.

94. *Ibid.*, para. 135.

95. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights*, Art. 3(1).

96. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, para. 135.

بود.^{۹۷} به موجب مقرره مندرج در ماده ۲ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، نقض تعهد بین‌المللی، قطع نظر از منشأ و ویژگی‌های آن تعهد مطمح‌نظر است.^{۹۸} در نقض تعهد بین‌المللی، فقط عمل دولت است که اهمیت دارد و این صرف‌نظر از قصد یا عدم قصد ایراد صدمه و خسارت است. در اینجا نقض تعهد، تنها محصور در نقض تعهد بین‌المللی است و در واقع، تعهد ناشی از حقوق بین‌الملل، فارغ از هر منشأ یا ویژگی که داشته باشد، مدنظر است.^{۹۹} بدین ترتیب، آنچه موجب نقض تعهد بین‌المللی دانسته شده آن است که برخلاف محتوای قاعده اولیه، عمل (اعم از فعل یا ترک فعل) شود.^{۱۰۰}

از این رو باید قاعده اولیه و عمل مربوطه تحلیل شود تا مطابقت یا مغایرت آن عمل با قاعده اولیه مشخص شود. در این راه باید رفتار صورت‌گرفته، با رفتاری که باید به موجب تعهد بین‌المللی صورت می‌گرفت مقایسه شود تا ماهیت عمل معلوم شود. اینکه کشور باید به موجب تعهد بین‌المللی خود چه رفتاری انجام دهد، به‌طور کامل منوط به آن است که در زمان انجام آن عمل، متعهد به آن تعهد دانسته شود و چنانچه کشور، عملی انجام دهد و سپس در آن باره، تعهدی بین‌المللی بر آن بار شود ملاک نیست. ملاک، وجود تعهد بین‌المللی در زمان انجام عمل است تا از این طریق، عملی که صورت گرفته، با عملی که می‌بایست صورت می‌گرفت، سنجش شود. به منظور ایضاح نقض تعهد بین‌المللی می‌توان آن را مغایرت میان حقیقت (بایدها) و واقعیت (هست‌ها) دانست. چنانچه به موجب حقوق بین‌الملل، آن واقعیت، یعنی آنچه انجام شده با آن حقیقت، یعنی آنچه باید انجام می‌شد، مغایرت داشته باشد، نقض تعهد بین‌المللی است. به همین جهت است که دیوان بین‌المللی دادگستری، به این منظور از عبارات مختلفی نظیر «مطابقت یا مغایرت با تعهدات»^{۱۰۱} یک دولت^{۱۰۲} و اعمال «مغایر با»^{۱۰۳} یا «ناسازگار با»^{۱۰۴} قاعده سخن گفته^{۱۰۵} یا در قضیه موسوم به گابچیکو-ناگیماروس^{۱۰۶} به فراخور موضوع مطروحه، از عبارت «قصور در رعایت تعهدات معاهداتی»^{۱۰۷} استفاده کرده است.^{۱۰۸}

97. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights*, Art. 5(1).

98. *ARSIWA*, Art. 2

99. *Ibid.*, Art. 3.

100. Combacau, Jean and Denis Alland, "Primary and Secondary Rules in the Law of State Responsibility Categorizing International Obligations", *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 16, (1985): 81.

101. "Compatibility or Incompatibility with the Obligations"

102. *United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, United States of America v. Iran*, Jurisdiction or/and Admissibility, Judgment of 24 May, 1980, para. 56.

103. "Contrary to"

104. "Inconsistent with"

105. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Nicaragua v. United States of America*, Merits, Judgment of 27 June, 1986, paras. 115 & 186.

106. *Gabčikovo-Nagymaros*

107. "Failure to Comply with its Treaty Obligations"

108. *Gabčikovo-Nagymaros Project, Hungary/Slovakia*, ICJ Report, 25 September, 1997, para. 57.

شعبه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه موسوم به *ELSI* مسئله مطابقت با الزامات معاهده را مطرح کرد.^{۱۰۹} کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در مجموعه مواد ۲۰۰۱ راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، عبارت «مطابق با آنچه تعهد مقرر می‌کند، نباشد» را به کار برده و در شرح و تفسیری که از آن ارائه کرده، تصریح داشته است که این عبارت به‌خوبی می‌تواند ماهیت نقض تعهد بین‌المللی را روشن کند.^{۱۱۰} دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه موسوم به *کارخانه کوزروف*^{۱۱۱} در ۱۹۲۷، هم در رأی صلاحیتی و هم در رأی ماهیتی، از عبارت نقض تعهد بین‌المللی استفاده کرده است.^{۱۱۲} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه موسوم به *جبران خسارات*، بر این عبارت تصریح داشته است.^{۱۱۳}

محکمه داور در قضیه موسوم به *رینبو واریر*^{۱۱۴} به نقض هرگونه تعهدی از سوی یک کشور اشاره کرده است.^{۱۱۵} در این باره از عباراتی دیگر نظیر «عدم اجرای تعهدات بین‌المللی»،^{۱۱۶} «اعمال مغایر با تعهدات بین‌المللی»،^{۱۱۷} «نقض تعهد بین‌المللی»^{۱۱۸} یا «نقض تعهد»^{۱۱۹} نیز استفاده شده است که همگی بر معنای یکسان دلالت دارند.^{۱۲۰} عبارتی که کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در بند (ب) از ماده دوم مجموعه مواد ۲۰۰۱ به کار برده،^{۱۲۱} همسو با عبارتی است که در ماده ۳۶(۲)(ج) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به کار رفته است.^{۱۲۲} در واقع، نقض تعهد بین‌المللی، عملی است که مطابق با تعهد بین‌المللی نباشد و در این راه می‌توان قائل به تبعض شد یعنی حتی چنانچه عمل کشور تا اندازه‌ای مغایر با تعهد بین‌المللی خویش باشد، به همان میزان نقض تعهد بین‌المللی قلمداد می‌شود.^{۱۲۳}

به موجب بند ۲۰۰ رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه موسوم به *برخی اموال ایران* بیان

109. *Elettronica Sicula S.p.A. (ELSI), United States of America v. Italy*, Contentious, 20 July, 1989, para. 70.

110. *ARSIWA*, p. 55.

111. Chorzów

112. *Factory at Chorzów*, PCIJ Jurisdiction, Series A09, 26 July, 1927, p. 21; *Factory at Chorzów*, Merits, PCIJ Series A17, 13 September, 1928, p. 29.

113. *Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations*, ICJ Advisory Opinion, 11 April, 1949, p. 14.

114. Rainbow Warrior

115. *Case Concerning the Difference Between New Zealand and France Concerning the Interpretation or Application of Two Agreements, concluded on 9 July 1986 Between the Two States and Which Related to the Problems Arising From the Rainbow Warrior Affair*, UNRIIAA, Vol xx, 30 April, 1990, para. 75.

116. "Non-Execution of International Obligations"

117. "Acts Incompatible with International Obligations"

118. "Violation of an International Obligation"

119. "Breach of an Engagement"

120. *ARSIWA*: 35.

121. *Ibid.*, Art. 2(b).

122. *ICJ Statute*, 1945, Art. 36(2)(c).

123. *ARSIWA*: 55.

شده است که انجام هیچ‌گونه فعالیتی با اموال و منافع اموالی که به موجب فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ مسدود شده‌اند، نظیر انتقال، پرداخت، صادر کردن و انصراف دادن مقدور نیست.^{۱۲۴} محاکم قضایی و داوری بین‌المللی بر این موضع استوارند که چنانچه عملی در مغایرت با تعهد ناشی از استاندارد الزام‌آور در حقوق بین‌الملل صورت پذیرد، نقض تعهد بین‌المللی است.^{۱۲۵} محکمه داوری در رسیدگی به اختلاف آلمان علیه رومانی در قضیه مربوط به گلدنبرگ^{۱۲۶} اظهار داشته است که قطع نظر از خاستگاه تعهد بین‌المللی، چنانچه تعهد بین‌المللی دولت نقض شود، مسئولیت بین‌المللی دولت تکوین می‌یابد.^{۱۲۷} کمیسیون سازش ایتالیا-ایالات متحده^{۱۲۸} اظهار داشته است که تمام اقدامات کشور که با هر قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل مغایرت داشته باشد، موجب مسئولیت بین‌المللی است.^{۱۲۹} کمیسیون دعاوی عام مکزیک-ایالات متحده^{۱۳۰} اظهار داشته است که «به موجب حقوق بین‌الملل، صرف نظر از هر کنوانسیونی، به منظور آنکه بتوان مسئولیت را بر یک دولت بار کرد ... باید تعهدی که از طریق استاندارد حقوقی بین‌المللی اعمال شده است، نقض شود».^{۱۳۱} همسو با این موضع، دیوان داوری در قضیه رینو و ریر اظهار کرده است که هرگونه نقض تعهدی با هر منشایی، مسئولیت بین‌المللی آن کشور را به دنبال دارد.^{۱۳۲} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه موسوم به *بارسلونا تراکشن* احراز کرده است که بلژیک به‌عنوان خواهان دعوا، «... چنانچه بتواند اثبات کند که یکی از حق‌های آن [کشور] نقض شده است و اعمال مورد ادعا متضمن نقض تعهدی بین‌المللی برخاسته از معاهده یا قاعده عام حقوقی^{۱۳۳} باشد، استحقاق طرح دعوا دارد».^{۱۳۴} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه موسوم به *گابچیکوو-ناگیماروس* اظهار کرده است که چنانچه کشوری در قبال تعهد بین‌المللی خویش قصور^{۱۳۵} کند، نقض تعهد بین‌المللی است و این صرف‌نظر از ماهیت آن تعهد است.^{۱۳۶}

عبارت‌پردازی فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ بیانگر ممنوعیت عام اداره اموال است. با این حال، دیوان

124. *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, para. 200.

125. *ARSIWA*: 32 - 33.

126. "Affaire Goldenberg"

127. *Affaire Goldenberg (Allemagne Contre Roumanie)*, UNRIAA, Vol. II, 27 September, 1928, pp. 908 & 909 as cited in *ARSIWA*: 33 - 55.

128. *Italian/United States Conciliation Commission*

129. *Armstrong Cork Company Case*, UNRIAA, Vol. XIV, 22 October, 1953, p. 163

130. *General Claims Commission (Mexico/USA)*.

131. *Dickson Car Wheel Company, United States of America v. United Mexican States*, UNRIAA, Vol. IV, July, 1931, p. 678.

132. *Case Concerning the Difference Between New Zealand and France Concerning the Interpretation or Application of Two Agreements, concluded on 9 July 1986 Between the Two States and Which Related to the Problems Arising From the Rainbow Warrior Affair*, UNRIAA, Vol xx, 30 April, 1990, para. 75.

133. *General Rule of Law*

134. *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (New Application: 1962), Belgium v. Spain*, ICJ, Contentious, 5 February, 1970, para. 86.

135. *Failure*

136. *Gabčíkovo-Nagymaros Project, Hungary/Slovakia*, ICJ, 25 September, 1997, para 47.

اظهار داشته است که ایران اموال یا منافع اموال شرکت‌های ایرانی را که به‌طور خاص متأثر از آن فرمان اجرایی شده‌اند، شناسایی نکرده است. دیوان در اظهارات خود افزوده که تمام دیگر اموالی که اظهار شده است، به موجب فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ مسدود شده‌اند و ایران توجه دیوان را به آن جلب کرده است و این اموال توسط دیگر اقدامات اجرایی که در این فرایند رسیدگی مورد چالش نیست مسدود شده‌اند. از این رو دیوان احراز کرد که چنین اموالی متأثر از فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ قلمداد نمی‌شوند.^{۱۳۷} دیوان احراز کرد که امریکا تعهد خویش به موجب معاهده ۱۹۵۵ مودت را نقض کرده است و در واقع، فقط می‌توان اموال اتباع و شرکت‌های طرف متعاقد را به منظور هدفی عمومی اخذ کرد و نباید آن‌ها را بدون پرداخت سریع غرامت عادلانه اخذ نمود. در این باره شایسته توجه است که دادگاه یادشده، پیش‌تر در قضیه موسوم به *سکوه‌های نفتی* تصریح داشته است که «معاهده ۱۹۵۵، تعهدات متعددی^{۱۳۸} در زمینه‌های گوناگون بر هر یک از طرفین بار کرده است. عمل هر یک از طرفین معاهده که با هر یک از آن تعهدات مغایر باشد، غیرقانونی است و این قطع نظر از آن است که آن عمل چگونه رخ داده است».^{۱۳۹}

قاضی *تومکا* در نظریه جداگانه خویش در قضیه *برخی اموال ایران* تصریح داشته است که برخلاف اکثریت قضاات دیوان بین‌المللی دادگستری بر این باور بوده که امریکا تعهد خویش به موجب ماده ۳(۱) معاهده ۱۹۵۵ مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی را نقض نکرده است. وی اظهار کرده است که ماده ۳(۱) معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی باید با توجه به قواعد عرفی تفسیر معاهده که در مواد ۳۱ تا ۳۳ معاهده وین در خصوص حقوق معاهدات درج شده‌اند^{۱۴۰} تفسیر شود.^{۱۴۱} قاضی *تومکا* در خصوص تعریف شناسایی وضعیت حقوقی شرکت‌های ایرانی به آن گونه که در قضیه *برخی اموال ایران* مطرح شد، اظهار داشته که ماده ۳(۱) معاهده ۱۹۵۵ مودت در پرتو موضوع و هدف معاهده و برخلاف پیشینه تاریخی، متضمن شناسایی شخصیت حقوقی^{۱۴۲} و اهلیت حقوقی^{۱۴۳} شرکت‌هاست و این را به آن معنا ندانسته است که شرکت‌ها در هر شرایطی محترم شمرده شوند.^{۱۴۴} قاضی *تومکا* در این خصوص، برخلاف اکثریت قضاات دیوان در قضیه *برخی اموال ایران*، بر این نظر بوده که شناسایی وضعیت حقوقی صرفاً به معنای شناسایی شخصیت حقوقی و شناسایی اهلیت

137. *Certain Iranian Assets*, ICJ, Judgment, para. 200.

138. Various Obligations

139. *Oil Platforms, Islamic Republic of Iran v. United States of America*, Preliminary Objections, ICJ, Judgment of 12 December, 1996, para. 21.

140. *Vienna Convention on the Law of Treaties*, 1969, Arts 31-33.

141. Separate Opinion of Judge Tomka, *Certain Iranian Assets*, ICJ Judgment, 2023, p. 1.

142. Legal Personality

143. Legal Capacity

144. *Ibid.*, p. 1.

حقوقی شرکت‌ها است و پاس داشتن آن‌ها در دیگر موارد را شامل نمی‌شود.^{۱۴۵} از این رو در نگاه مطروحه، چنانچه شخصیت حقوقی و اهلیت حقوقی شرکت شناسایی شود، حتی اگر برخی حقوق شرکت پاس داشته نشود، وضعیت حقوقی آن شرکت شناسایی شده است. در نهایت، دیوان در قضیه برخی اموال/ایران احراز نمود که امریکا بابت صدمات ناشی از نقض‌های تعهدات بین‌المللی، متعهد به پرداخت غرامت به جمهوری اسلامی ایران است. دیوان، دیگر اظهارات طرفین را رد کرد. هرچند در حقوق مسئولیت بین‌المللی، «اعاده وضع به حال سابق»، علاوه بر اینکه اصل مبنای نظری کلی جبران خسارت است، شکل اولیه جبران را نیز تشکیل می‌دهد، رأی بر انجام این جبران منوط به این است که «الف) جبران عملاً و عقلاً (از نظر حقوقی) میسر باشد و (ب) متضمن تحمیل تکلیف کاملاً بی‌تناسب با مزیتی نباشد که از اعاده وضع سابق در مقایسه با پرداخت غرامت حاصل می‌شود.^{۱۴۶} در قضیه حاضر، پیش از صدور رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ پیش‌بینی شده بود، به دلیل خروج ایالات متحده از معاهده مودت یا به عبارتی فسخ آن در ۳ اکتبر ۲۰۱۸ و لازم‌الاجرا شدن این فسخ، یک سال پس از آن تاریخ، دیگر معاهده مودتی وجود ندارد که مبنای اعاده وضع به حال سابق باشد.^{۱۴۷} به دلیل هم‌پوشانی نسبی و موردی بین جبران «توقف فعل خلاف» و جبران «اعاده وضع سابق» در مواردی که استمرار تعهد اولیه برای اعاده وضع سابق ضروری است و تعهد اولیه مانند معاهده مودت از بین رفته است، سخن از اعاده وضع سابق بی‌معنی است.^{۱۴۸} دیوان بین‌المللی دادگستری متعاقباً در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ بر دیدگاه دانشمند ایرانی حقوق بین‌الملل صحه گذارده و اظهار داشته است که به دلیل عدم اعتبار معاهده مودت، جبران توقف فعل خلاف، دیگر موضوعیت ندارد و ممتنع است.^{۱۴۹} به بیان دیگر و با وحدت ملاک مذکور در فوق، به دلیل خاتمه اعتبار معاهده مودت، سخن از اعاده وضع سابق در چنین شرایطی منتفی است. البته بدیهی است که «اصل حقوقی اعاده وضع سابق» هنوز قابلیت خود را به‌عنوان مبنای نظری و حقوقی تعیین غرامت حفظ خواهد کرد و میزان غرامت با لحاظ قابلیت فرضی اعاده وضع سابق تعیین خواهد شد. ولی اعاده عینی وضع سابق قطعاً منتفی است. علاوه بر این، همان‌طور که قبل از صدور رأی ۲۰۲۳ تحلیل کرده بودند، مگر در شرایط خاص، تقاضای اعاده وضع به حال سابق در دعاوی بین‌المللی زیاد نیست و به جای آن، تقاضای غرامت رایج‌تر است.^{۱۵۰} مضاف بر این، دولت ایران درخواستی برای اعاده وضع سابق تقدیم نکرده بود، بلکه

145. Ibid., pp. 1-3.

۱۴۶. سیدجمال سیفی، حقوق مسئولیت بین‌المللی: گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۱)، ۱۸۱-۱۸۲ و ۱۷۲-۱۹۰.

۱۴۷. همان، ۱۶۳.

۱۴۸. همان، ۱۶۲.

149. ICJ Judgment, 2023, paras. 225-229.

۱۵۰. سیفی، همان، ۱۸۸ و ۱۹۴.

صرفاً تقاضای پرداخت غرامت نموده بود.^{۱۵۱} گفتنی است که انتخاب جبران خاص نقض تعهد، اعم از اعاده وضع سابق، درخواست غرامت و جلب رضایت از ناحیه خواهان، هرچند قاطع نیست، طبق رویه قضایی دیوان (قضیه احمدو سادیو دیالو، رأی سال ۲۰۱۰، بند ۱۶۱) و بند ۲ ماده ۴۳ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، یکی از ملاک‌های مورد توجه مرجع قضایی بین‌المللی در انتخاب جبران مرتبط است.^{۱۵۲} در این باره، دیوان صریحاً به موضوع و درخواست جلب رضایت پرداخته و صدور و اعلام رأی خود مبنی بر نقض معاهده مودت توسط ایالات متحده را همسو با رویه سابق، همسان جلب رضایت کافی نیز دانسته است.^{۱۵۳} مضاف بر این، دیوان بارها صدور و اعلام رأی مبنی بر نقض تعهد و ایجاد مسئولیت بین‌المللی را وافی به مقصود جلب رضایت نیز دانسته است.^{۱۵۴}

نتیجه

طرح دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا در قضیه موسوم به *برخی اموال ایران*، راجع به مجموعه‌ای از اقدامات ایالات متحده آمریکا اعم از اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی آمریکا از ۲۰۰۲ است. گذراندن قانون در خصوص بیمه ریسک تروریسم و به‌طور خاص، بخش ۲۰۱(الف) آن، گذراندن قانون در خصوص مصونیت خارجی و به‌طور خاص، بخش ۱۶۱۰(ز)(۱) آن و نیز اعمال آن‌ها به وسیله محاکم داخلی این کشور، مجموعه‌ای از اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی است. طرفین در قضیه *برخی اموال ایران*، راجع به دامنه محدودیت‌هایی که ناشی از معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بر صلاحیت تقنینی دولت بار شده است، رویکردهای متفاوتی داشتند. چنانچه دیوان بین‌المللی دادگستری تصریح داشته است، اختلاف دو کشور طرف دعوا در قضیه یادشده، در خصوص به‌رسمیت شناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های خارجی است. با لحاظ رویه محاکم قضایی و داوری بین‌المللی و نیز مواد ۴ و ۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در مقام توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، به‌خوبی دانسته می‌شود که اقدامات اجرایی، تقنینی و قضایی آمریکا، به‌طور مشخص، اقداماتی که با توجه به بخش ۲۰۱(الف) قانون آمریکا در خصوص بیمه ریسک تروریسم و بخش ۶۰۱(ز)(۱) قانون آمریکا در خصوص مصونیت خارجی و نیز اعمال آن‌ها توسط دادگاه‌های آن کشور صورت گرفته، طبق حقوق بین‌الملل عرفی، آن گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد منعکس شده، متناسب

151. ICJ Judgment, 2023, paras. 230-231.

۱۵۲. سیفی، همان، ۱۸۰.

153. ICJ Judgment, 2023: paras. 232-233.

۱۵۴. سیفی، همان، ۲۳۳-۲۳۷.

به کشور امریکا است و از این رو عنصر اول در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی تکوین یافته است. در مورد نقض تعهد بین‌المللی به‌عنوان دومین عنصر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، این کشور، تعهدات خود به موجب معاهده را نقض کرده است، چرا که همچنان که دیوان بین‌المللی دادگستری احراز نموده، فقط به منظور هدفی عمومی می‌توان اموال اتباع و شرکت‌های طرف متعاقد را اخذ کرد. به این ترتیب، هر دو عنصر لازم برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، یعنی انتساب و نقض تعهد بین‌المللی، تکوین یافته و مسئولیت کشور امریکا محقق است. در این خصوص، اینکه دیوان به دنبال یافتن مظهري برای خسارت یا صدمه بوده، تفسیر سخت‌گیرانه و مضیقی از تعهد اولیه است ولی به هر حال، در این خصوص، دیوان قائل بر آن شده که تعهد اولیه نقض شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران، در راه احراز نقض تعهد بین‌المللی به‌عنوان یکی از عناصر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، بی‌آنکه لزوماً تصریح بدارد، کوشیده است تا احراز کند که پیامدی زیان‌بار متوجه کشور خواهان شده است. این به آن معناست که دیوان در صد احراز نقض تعهد به نتیجه برآمده است. در مقاله نشان داده شده است که برای احراز نقض تعهد بین‌المللی به‌عنوان یکی از دو عنصر لازم برای تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی، کافی است که تعهد اولیه نقض شده باشد و این صرف‌نظر از آن است که نتیجه چه بوده است.

دیوان با احراز آنکه مسئولیت بین‌المللی کشور ایالات متحده امریکا محقق شده است، به سراغ پیامدهای مسئولیت بین‌المللی آن کشور در قضیه برخی اموال ایران رفته و همسو با خواسته جمهوری اسلامی ایران، حکم به پرداخت غرامت داده است. در قضیه حاضر، با توجه به خاتمه اعتبار معاهده مودت، سخن از اعاده وضع سابق در چنین شرایطی محلی از اعراب نداشته است. منتفی بودن اعاده عینی وضع سابق، متمایز از این است که میزان غرامت با لحاظ قابلیت فرضی اعاده وضع سابق تعیین شود. شایسته توجه است که اگرچه انتخاب جبران خاص نقض تعهد توسط خواهان، قاطع نیست، می‌تواند یکی از ملاک‌های مورد توجه دیوان در انتخاب شکل جبران باشد. دیوان در قضیه مذکور صریحاً به موضوع و درخواست جلب رضایت پرداخته و صدور اعلام رأی خود مبنی بر نقض معاهده مودت توسط ایالات متحده را به منظور جلب رضایت کافی دانسته است. حکم دیوان بر لزوم پرداخت سریع غرامت عادلانه، به لحاظ حقوقی، به جهت تحقق مسئولیت بین‌المللی کشور ایالات متحده امریکا صادر شده است.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. ابراهیم‌گل، علیرضا. *اقدامات متقابل و مسئولیت بین‌المللی ناشی از منافع جمعی*. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
۲. سیفی، سیدجمال. *حقوق مسئولیت بین‌المللی: گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت*. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۱.
۳. شاو، ملکم. *حقوق بین‌الملل: مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی*. ترجمه: اسماء سالاری، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.

- مقاله

۱. ایمانی مرکید، مقصود، «مصونیت اموال بانک مرکزی ایران در امریکا: مطالعه موردی قضیه پترسون»، *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*، شماره ۲۲ (۱۳۹۳).
۲. زمانی، سیدقاسم و میرزاده، منالسادات، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی از منظر رویه قضایی و داوری بین‌المللی»، *پژوهش حقوق عمومی* ۱۵، شماره ۴۰ (۱۳۹۲).
۳. سیفی، سیدجمال، «وحدت مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی» بین‌المللی و آثار آن در حقوق معاهدات»، *تحقیقات حقوقی* ۱، شماره‌های ۱۳ و ۱۴ (۱۳۷۳).
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، «نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، *پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۱۳ (۱۳۸۳).

ب. انگلیسی

- Articles

1. Ortega, Álvarez and Elena Laura, "The Attribution of Responsibility to a State for Conduct of Private Individuals within the Territory of Another State", *InDert*, vol. I, (2015).
2. Bordin, Fernando Lusa "Reflections of Customary International Law: The Authority of Codification Conventions and ILC Draft Articles in International Law", *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 63, (2014).
3. Buga, Irina, "The Impact of Subsequent Customary International Law on Treaties: Pushing the Boundaries of Interpretation?", *Netherlands*

International Law Review, Vol. 69, (2022).

4. Combacau, Jean and Denis Alland, "Primary and Secondary Rules in the Law of State Responsibility Categorizing International Obligations", *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 16, (1985).
5. Fry, James "Attribution of Responsibility", in André Nollkaemper, and Ilias Plakokefalos (edn.), *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge University Press, (2014).
6. Meijknecht, Anna, "Hague Case Law: Latest Developments", *Netherlands International Law Review*, vol. 70, (2023).

- ICJ & PCIJ Cases

1. *Nuclear Tests, Australia v. France*, Contentious, I.C.J Reports 1974.
2. *North Sea Continental Shelf, Federal Republic of Germany/Denmark*, Contentious, I.C.J Reports 1969.
3. *Oil Platforms, Islamic Republic of Iran v. United States of America*, Preliminary Objections, I.C.J Reports 1996.
4. *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (New Application: 1962), Belgium v. Spain*, Contentious, I.C.J Reports 1970.
5. *Certain Iranian Assets, Application Instituting Proceedings, Islamic Republic of Iran v. United States of America*, I.C.J Reports 2016.
6. *Certain Iranian Assets, Islamic Republic of Iran v. United States of America*, Preliminary Objections, I.C.J Reports 2019.
7. *Certain Iranian Assets, Islamic Republic of Iran v. United States of America*, I.C.J Reports 2023.
8. *Certain Iranian Assets*, Separate Opinion of Judge Tomka, 2023.
9. *Certain Iranian Assets*, Press Release, No. 2016/19, 15 June, 2016.
10. *Certain Iranian Assets*, Press Release, No. 2023/15, 30 March 2023.
11. *Elettronica Sicula S.p.A. (ELSI), United States of America v. Italy*, Contentious, I.C.J Reports 1989.
12. *Gabčíkovo-Nagymaros Project, Hungary/Slovakia*, I.C.J Reports 1997.
13. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Nicaragua v. United States of America*, Merits, I.C.J Reports 1986.
14. *Nuclear Test, New Zealand v. France*, Contentious, I.C.J Reports 1974.
15. *Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations*, Advisory, I.C.J Reports 1949.
16. *United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, United States of America v. Iran*, Jurisdiction or/and Admissibility, I.C.J Reports 1980.
17. *Factory at Chorzów*, Jurisdiction, Series A09, PCIJ 26 July, 1927.
18. *Factory at Chorzów*, Merits, Series A17, PCIJ 13 September, 1928.
19. *Phosphates in Morocco*, Series A/B74, PCIJ 14 June, 1938.

- Arbitral Awards

1. *Islamic Republic of Iran v. USA*, IUSCT, Case A15(IV) and A24, vol. 32, 1996.
2. *Armstrong Cork Company Case*, UNRIAA, Vol. XIV, 22 October, 1953.
3. *Case Concerning the Difference Between New Zealand and France Concerning the Interpretation or Application of Two Agreements, Concluded on 9 July 1986 Between the Two States and Which Related to the Problems Arising From the Rainbow Warrior Affair*, UNRIAA, Vol xx, 30 April, 1990.
4. *Dickson Car Wheel Company, United States of America v. United Mexican States*, UNRIAA, Vol. IV, July, 1931.
5. *International Fisheries Company, United States of America v. United Mexican States*, Vol. UNRIAA, IV, July, 1931.

- Documents

1. *ICJ Statute*, 1945.
2. *Draft Conclusions on Identification of Customary International Law*, ILC, 2018.
3. *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA)*, ILC Yearbook, vol. II, part. 2, 2001.
4. *A/71/80, Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Compilation of Decisions of International Courts, Tribunals and other Bodies*, UNGA, Report of the Secretary-General (2016).
5. *Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act*, Public Law 112-158, August 10, 2012.
6. *Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between the United States of America and Iran*, UNTS Vol. No. 284, 1955.
7. *Deborah D. Peterson, Personal Representatives of the Estate of James C. Knipple et al. v. Islamic Republic of Iran*, USA, District Court, Southern District of NewIran, USA, No. 10civ 4518 (BSJ), 15 March, 2012.
8. *Bank Markazi v. Peterson*, USA, Supreme Court, Docket No. 14-770, 20 April, 2016.
9. *The Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)*, 28 U.S.C. §§ 1330, 1441, 1602-1611, 21 October, 1976.
10. *The Terrorism Risk Insurance Act (TRIA)*, H.R. 3210, Pub. L. 107-297, 26 November, 2002.
11. *Vienna Convention on the Law of Treaties*, 23 May 1969.

- Internet Resources

1. <https://www.congress.gov/bill/112th-congress/house-bill/1905/text> (Last visited: 2023.08.10).
2. <https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/> (Last visited: 2023.08.08).
3. <https://uscode.house.gov/view.xhtml?path=/prelim@title28/part4/chapter97&edition=prelim> (Last visited: 2023.08.10).